

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ  
وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ



مطالعات مورودی

# قدرت نرم

تألیف:

جکوئیز هایمنز و دیگران

با مقدمه:

دکتر اصغر افتخاری

گردآوری و ترجمه:

سید محسن روحانی



## فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۱۱
مقدمه.....	۱۳
دکتر اصغر انتخاری	
نحوش اول: مطالعه موردي قاره آسيا آفریقا.....	۱۷
فصل ۱. افزایش قدرت نرم: مطالعه موردي آسیب‌های سیاست هند	۱۹
جکوئیز ای. سی. هایمنز	
مقدمه.....	۱۹
۱-۱. قدرت نرم چیست؟.....	۲۱
۲-۱. آسیب‌پذیری نرم هند پیش از استقلال.....	۲۴
۲-۱-۱. "هند زنانه": جذاب برای انگلیسی‌ها.....	۲۶
۲-۱-۲. "هند وحشی": خشن و غیر عقلانی.....	۲۸
۳-۱. از آسیب‌پذیری نرم تا قدرت نرم: کیمیاگری گاندی	۳۰
۴-۱. قدرت نرم و آسیب‌پذیری هند در دوران جنگ سرد.....	۳۶
۵-۱. وجهه هند در ایالات متحده.....	۳۸
۶-۱. منحرف شدن و از بین رفتن تلاش‌های نهرو برای قدرت نرم.....	۴۱
۷-۱. قدرت نرم و آسیب‌پذیری هند امروز.....	۴۷
نتیجه گیری.....	۵۸
منابع.....	۶۱

<b>فصل ۲. قدرت نرم و قدرت‌های کوچک: مطالعه موردی راهبرد قطر</b>	۶۹
پائول راکور	
مقدمه	۷۹
۱-۱. قطر، دیپلماسی نیچه و برندازی	۷۱
۱-۲. چالش‌های دیپلماسی عمومی قطر	۷۵
۲-۱. راهبردهای دیپلماسی عمومی قطر	۷۷
۲-۴. ابزارهای دیپلماسی عمومی قطر	۸۲
۴-۱. ابزار دیپلماسی عمومی الجزیره	۸۷
۵-۱. نروژ و دیپلماسی نیچه	۹۱
نتیجه‌گیری	۹۶
منابع	۹۸
<b>فصل ۳. بازتعریف قدرت نرم: مطالعه موردی "راهبرد بومی‌سازی" تایوان</b>	۱۰۳
شان لی	
مقدمه	۱۰۳
۱-۱. تعریف "قدرت نرم"	۱۰۴
۱-۲. کاربرد و نمونه‌های قدرت نرم	۱۰۷
۱-۳. نظریه خانم آننه لو در مورد قدرت نرم تایوان	۱۱۰
۲-۱. تفسیر جدیدی از قدرت نرم تایوان	۱۱۳
۲-۳. سه عنصر جدید قدرت نرم تایوان	۱۱۷
نتیجه‌گیری	۱۲۴
منابع	۱۲۶
<b>فصل ۴. نظریه قدرت نرم و راهبرد قدرت نرم کره</b>	۱۲۹
جوئن لی	
مقدمه	۱۲۹
۱-۱. مطالعات پیشین قدرت نرم	۱۳۰
۱-۲. نظریه قدرت نرم	۱۳۱
۲-۱. طبقه‌بندی‌های متفاوت قدرت نرم	۱۳۲
۲-۲. یک مفهوم جدید از قدرت نرم	۱۳۵

## فهرست مطالب ۷

۱۳۸.....	۲-۴. یک چارچوب نظری
۱۴۰.....	۴-۳. راهبردهای قدرت نرم
۱۴۲.....	۴-۴. توان بالقوه قدرت نرم کره جنوبی و برخی توصیه‌های سیاسی
۱۴۳.....	۴-۴-۱. تجارت و اهداف اقتصادی و راهبرد قدرت نرم کره
۱۴۴.....	۴-۴-۲. اهداف امنیتی و سیاسی و راهبرد قدرت نرم کره
۱۴۶.....	نتیجه‌گیری
۱۴۹.....	منابع
۱۵۳.....	فصل ۵. قدرت نرم و منطقه گرایی: مطالعه موردی سیاست‌های ترکیه در خاورمیانه
۱۵۳.....	ملیح‌با بنلی آنتونیسیک
۱۵۴.....	مقدمه
۱۵۷.....	۱-۱. نقش ترکیه در مباحث اصلاحات سیاسی و اقتصادی در خاورمیانه
۱۶۷.....	۱-۲. ابزارها و راهبردهای جدید: ظرفیت طرف سومی ترکیه
۱۷۲.....	نتیجه‌گیری
۱۷۳.....	منابع
۱۷۵.....	فصل ۶. کاربرد قدرت نرم: مطالعه موردی "رنسانس آفریقایی"
۱۷۵.....	یازینی فرنکا آپریل
۱۷۵.....	مقدمه
۱۸۱.....	۶-۱. تاثیر گفتگوی سابوید بر ارتقاء اصول رنسانس آفریقایی
۱۸۶.....	۶-۱-۱. تساوی جنسیتی
۱۸۸.....	۶-۲-۱. مصالحة
۱۸۹.....	۶-۲. تاثیر سابوید بر فرآیند انتخابات و دمکراتیزه کردن بروندی
۱۹۳.....	نتیجه‌گیری
۲۰۰.....	منابع
۲۰۱.....	بخش دوم: مطالعه موردی قدرت نرم در قاره اروپا-آمریکا
۲۰۳.....	فصل ۷. احیاء قدرت نرم: مطالعه موردی راهبرد روسیه
	فیتوزا هیل

## ۸ مطالعه موردنی قدرت نرم

۲۰۳.....	مقدمه
۲۰۴.....	۱. جاذبه ملی
۲۰۷.....	۲. دستی نه چندان نامرئی
۲۰۹.....	۳. بازگشت
۲۱۲.....	۴. واقعیت‌های سیاسی
۲۱۴.....	۵. پوتین؛ حرکت در مسیر قدرت نرم
۲۱۷.....	۶. خیابان دوطرفه اوراسیا
۲۲۰.....	۷. ابرقدرت انرژی
۲۲۲.....	نتیجه‌گیری: بلندپروازی‌های قدرت نرمی روسیه
۲۲۹.....	منابع
۲۳۱.....	فصل ۸ قدرت نرم و دیپلماسی عمومی نوین: مطالعه موردنی "الگوی حکومتداری جهانی" اروپا
۲۳۱.....	ترز/ لا پورته
۲۳۱.....	مقدمه
۲۳۴.....	۱. پست جدید بین‌الملل: شرایط حکومتداری جهانی
۲۳۸.....	۲. دیپلماسی عمومی حکومتداری جهانی
۲۴۳.....	۳. قدرت اقتصادی اتحادیه اروپا
۲۴۴.....	۴. مدل سیاسی اتحادیه اروپا
۲۴۶.....	۵. ارزش‌ها و اصول اتحادیه اروپا: بنیاد قدرت جذاب
۲۴۹.....	۶. تجربه در روابط جامعه مدنی
۲۵۱.....	۷. قدرت هنجری اتحادیه اروپا
۲۵۴.....	۸. همکاری اروپا در زمینه توسعه: اتحاد، همراه با برخی نیازمندی‌ها
۲۵۶.....	۹. سیاست جلوگیری از ایجاد درگیری و کشمکش
۲۵۹.....	۱۰. دفاع از حقوق بشر
۲۶۲.....	۱۱. تعهد جامعه به بھبود دیپلماسی عمومی
۲۶۵.....	نتیجه‌گیری: نیازها و طرح‌هایی برای بھبود
۲۷۰.....	منابع

فهرست مطالب ۹

فصل ۹. قدرت نرم و موقعیت سخت: مطالعه موردنی سیاست خارجی و امنیتی اتحادیه اروپا ..... ۲۷۷.....	مایکل اسمیت
۲۷۷.....	مقدمه
۱-۹. سیاست خارجی، قدرت و مدل اروپایی ..... ۲۸۱.....	۱-۹. سه منطق سیاست خارجی اروپا ..... ۲۸۴.....
۲-۹. واکنش نشان دادن به دنیای اسلام و ایالات متحده: اتحادیه اروپا و "مثلث نیروها" ..... ۲۹۲.....	۲-۹. واکنش نشان دادن به دنیای اسلام و ایالات متحده: اتحادیه اروپا و "مثلث نیروها" ..... ۲۹۲.....
نتیجه گیری: سیاست خارجی اروپا میان ایالات متحده و دنیای اسلام: کاتالیزور یا اجباری؟ ..... ۳۰۰.....	نتیجه گیری: سیاست خارجی اروپا میان ایالات متحده و دنیای اسلام: کاتالیزور یا اجباری؟ ..... ۳۰۰.....
۳۰۳.....	منابع
فصل ۱۰. دیپلماسی فرهنگی و قدرت نرم: مطالعه موردنی ماموریت آلمان در افغانستان ..... ۳۰۵.....	۳۰۳.....
۳۰۵.....	نیکلز کلابوند
۳۰۶.....	مقدمه
۱-۱۰. دیپلماسی فرهنگی آلمان ..... ۳۰۶.....	۱-۱۰. دیپلماسی فرهنگی آلمان ..... ۳۰۶.....
۳۰۹.....	۳۰۹.....
۳۱۵.....	نتیجه گیری
۳۱۶.....	۳۱۶.....
۳۱۹.....	منابع
فصل ۱۱. آموزش بین‌المللی و قدرت نرم: مطالعه موردنی سیاست خارجی کانادا ..... ۳۱۹.....	۳۱۹.....
۳۱۹.....	روپا دیسی تریلوککار
۳۲۱.....	مقدمه
۱-۱۱. تاریخ توسعه سیاسی ..... ۳۲۱.....	۱-۱۱. گسترش کمک‌های توسعه‌ای فرامرزی ..... ۳۲۱.....
۳۲۵.....	۲-۱۱. توسعه روابط فرهنگی بین‌المللی ..... ۳۲۵.....
۳۲۸.....	۲-۱۱. تاثیر ابتکارات بین‌المللی سازی دانشگاه ..... ۳۲۸.....
۳۲۸.....	۱-۲-۱۱. تاثیر کمک‌های توسعه‌ای فرامرزی بر دانشگاه‌ها ..... ۳۲۸.....

## ۱۰ □ مطالعه موردي قدرت نرم

۳۳۳.....	۲-۲. تاثیر روابط فرهنگی بین‌المللی بر دانشگاه‌ها
۳۳۹.....	۳-۱. نتایج سیاسی: فواید و چالش‌ها
۳۴۳.....	نتیجه‌گیری
۳۴۵.....	منابع
۳۴۹.....	۳۲. قدرت نرم و قدرت اجتماعی: مطالعه موردي سیاست خارجی و نزوهای خاوری کورس
۳۵۱.....	۱-۱. قدرت اجتماعی به متابه ابزار موazنه نرم
۳۵۹.....	۲-۱. توصیف ظهور دیپلماسی قدرت اجتماعی
۳۶۰.....	۱-۲-۱. تنزل مردم‌سالاری
۳۶۲.....	۲-۲-۱. اقتصاد سیاسی بین‌المللی نفت
۳۶۶.....	۳-۱. محدودیت‌های قدرت اجتماعی چاوز: فقدان مهارت
۳۶۶.....	۱-۳-۱. در داخل کشور: بحران نفتی داخلی
۳۶۸.....	۲-۳-۱. در خارج کشور: چندستگی متحده‌ی بالقوه
۳۷۲.....	۳-۴. واکنش به چالش‌های قدرت اجتماعی
۳۷۳.....	نتیجه‌گیری
۳۷۵.....	منابع
۳۷۹.....	نمایه

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ»  
وَلَقَدْ اَتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا اَحْمَدُ لِلّٰهِ الَّذِي  
فَضَلَّنَا عَلَىٰ كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ  
(قرآن کریم، سوره مبارکه النمل، آیه شریفه ۱۵)

## سخن ناشر

مطالعه نظریه قدرت نرم، اگر چه از حیث فلسفی و شناختی امری ضروری و جذاب می نماید؛ اما نباید این نکته را از نظر دور داشت که «قدرت نرم» صرفاً یک نظریه تحلیلی برای شناخت نیست، بلکه دارای ارزش عملیاتی می باشد. معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام با عنایت به ضرورت پژوهش همه جانبی در این زمینه، از سال ۱۳۸۷ طرح مطالعاتی قدرت نرم را که شامل بخش های مهمی چون شناخت قدرت نرم، نقد و ارزیابی نظریه های غربی، و تولید نظریه اسلامی و ایرانی قدرت نرم می شود؛ تعریف و اجرا نمود. معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام امیدوار است نتایج حاصل آمده از این پژوهه که به بیش از ۳۰ عنوان اثر بالغ می شود، مورد توجه علاقمندان قرار گرفته و از این طریق گفتمان تازه ای در مطالعات قدرت نرم در ایران شکل بگیرد.

ناشر ضمن استقبال از نظرات اصلاحی و تکمیلی، آمادگی خود را برای دریافت و نشر سایر متون مرتبط - بویژه با تأکید بر رویکردهای اسلامی - ایرانی و توجه به مسائل خاورمیانه و ایران اعلام می دارد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام



## مقدمه

دکتر اصغر افتخاری

اگر چه سیاست عملی به دلیل عینیت و تاثیرات ظاهرای که دارد، پیوسته مورد توجه اندیشه‌گران و تحلیل‌گران بوده است؛ اما به نظر می‌رسد این ایده صحیح باشد که سیاست نیز همچون سایر حوزه‌های عملیاتی، عرصه «فراز و فرود نظریه‌ها» است. به عبارت دیگر سیاست عملی تابعی از نظریه‌هایی است که برخی به صورت آشکار و برخی به صورت پنهانی و صرفاً در سطح اذهان مجریان، مسلط شده و به پارادایم غالب تبدیل می‌شوند. بر این اساس مطالعه سیاست عملی در گرو آشنایی با نظریه‌های سیاسی است. با این توصیف آنچه به عنوان مفهوم و نظریه قدرت نرم طراحی و ارایه شده – و توجه بسیاری از کارشناسان را به خود معطوف داشته – مهم ارزیابی می‌گردد.

نظریه‌هایی از این قبیل معمولاً در جوامع علمی غربی موضوع مطالعات بسیاری قرار گرفته و در اندک زمانی شاهد ارایه مقالات، کتب و یادداشت‌های تحلیلی متعددی درباره آنها می‌باشیم که در نهایت تصویر یک نظریه تمام عیار را از آنها به مخاطب ارایه می‌نمایید؛ چیزی که در جوامع جهان سومی متأسفانه کمتر به آن توجه و یا پرداخته می‌شود. البته در حد موضوع حاضر، به نظر می‌رسد که سرنوشت متفاوتی برای آن در جامعه ما رقم خورده است که جای تأمل و شکر دارد.

مطالعات قدرت نرم را به یمن تلاش‌های علمی محققان و مترجمان ایرانی، می‌توان در جامعه ایران حوزه‌ای توسعه یافته ارزیابی نمود. بدین معنا که طیف متنوعی از پژوهش‌ها نسبت به این موضوع به انجام رسیده که حکایت از اهمیت و ظرافت ابعاد نظری و کاربردی این مفهوم و نظریه دارد. شاید دلیل این توجه بیش از اندازه به «قدرت نرم» متناسب آن با اصول و مبانی رویکرد ایرانی-اسلامی باشد که حکایت از ظرفیت‌های بالای این نظریه برای تحلیل موضوعات و تجویز راهبردها در ایران دارد. البته نمی‌توان از این نکته غافل شد که رویکرد نرم‌افزارانه مدنظر اندیشه‌گران مسلمان، از حیث مبادی معرفت‌شناختی و روشی متفاوت از رویکرد سکولار غربی بوده و این بدان معناست که ما نیازمند طراحی و ارایه نظریه قدرت نرم خویش هستیم. انجام چنین کاری متنضم برشاشتن چند گام اساسی است که مهمترین آنها عبارتند از:

- الف. شناخت نظریه قدرت نرم متعارف
- ب. ارزیابی نظریه قدرت نرم در قالب نقدهای درون و برون گفتمانی
- ج. طراحی چارچوب‌های نوین تحلیلی بر بنیاد یافته‌های مراحل پیشین؛ تا از این طریق نظام جدید معرفتی در موضوع قدرت نرم با رویکرد ایرانی-اسلامی شکل بگیرد.

مطالعه حاضر از جنس پژوهش‌های گروه اول است که به شناخت هر چه بهتر کاربرد قدرت نرم در کشورهای مختلف کمک می‌کند. این مطالعه از آن حیث اهمیت دارد که افزون بر تعمیق عرصه شناخت از قدرت نرم، ایده بومی‌سازی قدرت نرم را نیز تبیین می‌کند. پژوهش‌های موردي حکایت از دو نوع مواجهه با نظریه قدرت نرم دارد: نخست مواردی که به اجرای نظریه اصلی بدون توجه به مقتضیات زمانی و مکانی اشاره دارد؛ دوم - مواردی که اجراء نظریه را در نوع بازاندیشی بومی استوار ساخته‌اند و از این طریق تجربه نوینی را در حوزه قدرت نرم تولید نموده‌اند. آشنایی با هر دو نوع تجربه حائز اهمیت بوده و به همین خاطر اثر

حاضر تدوین و ترجمه شده است.

هدف اصلی اثر حاضر آن است که زمینه بررسی انتقادی الگوهای دوگانه بالا را فراهم آورد و نشان دهد که کاربست تقليیدي نظریه قدرت نرم، معمولاً نوعی «ناکارآمدی» را در پی دارد که منجر به واکنش منفی اندیشه‌گران و حتی بازیگران حوزه اجرایی می‌شود. اگر چه این ملاحظه انتقادی، الگوهای باراندیشی بومی را ضروری می‌سازد؛ اما تاملات موجود حکایت از آن دارد که این رویکرد نیز عاری از اشکال نبوده و می‌تواند به استحاله نظریه متنه شود. غرض از استحاله نظری، بازنگری در اصول، مبانی، اهداف و شیوه‌های اجرایی قدرت نرم است به‌گونه‌ای که آن را از ماهیت و فلسفه اولیه‌اش عاری سازد و بدین ترتیب مفهومی جدید (و بیگانه با نظریه اصلی) را تولید نماید. در این حالت با برداشت‌های بیگانه با نظریه، روپرتو هستیم که معمولاً امکان مفاهمه علمی را به پایین‌ترین حد ممکن می‌رساند.

آنچه در مطالعات قدرت نرم بومی مدنظر است و مجموعه مطالعاتی منتشر شده از سوی موسسات علمی‌ای چون دانشگاه امام صادق (ع) آن را دنبال می‌نماید؛ آن است که جلوی هر دو آفت گفته شده را تا حد امکان بگیرد. به عبارت دیگر زمینه‌سازی برای طرح و نیل به یک نظریه بومی و کارآمد از قدرت نرم، هدف اصلی‌ای را شکل می‌دهد که از رهگذر این مطالعات باید در پی آن بود.

از این منظر تلاش ارایه شده در این مجموعه شایسته توجه بوده و می‌توان آن را مکمل خوبی برای آن دسته از پژوهش‌هایی دانست که با رویکرد موضوع‌شناسانه تهیه و منتشر شده‌اند. بنابراین جا دارد از تدوین کننده و مترجم اثر تشکر نمود و از خدای متعال برای ایشان و تمامی دست‌اندرکاران پروژه کلان قدرت نرم در سطح ملی آرزوی توفیق نمود. امید آن که شاهد ارایه نقدهای سازنده بر یافته‌های اثر حاضر در آینده نزدیک باشیم.



بخش اول:

مطالعه موردی قاره آسیا آفریقا





## افزایش قدرت نرم: مطالعه موردی آسیب‌های سیاست هند

جکوئیز ای. سی. هایمنز<sup>۱</sup>

### مقدمه

هند یکی از قدرت‌های به سرعت در حال رشد، در جهان امروز به شمار می‌آید. در طول دهه گذشته سیاست لیبرالیزه کردن هند به میزان زیادی توان اقتصادی؛ و سیاست هسته‌ای‌سازی، توان نظامی این کشور را افزایش داده است. چشمان تیزبین رصدکنندگان امور جهانی متوجه "قدرت نرم" رو به رشد هند شده است. جوزف نای که معلم قدرت نرم است نوع رژیم لیبرال دمکرات هند را به عنوان مزیتی واقعی در مقابل چین؛ در رقابت دو غول آسیایی برای کسب جذابیت و نفوذ جهانی، به حساب آورده است.<sup>۲</sup> در همین حال، معاون دبیر کل پیشین سازمان ملل "شاشی تارور"<sup>۳</sup> این گونه در مورد مزایای قدرت نرم هند در صحنه فرهنگی جهان معاصر صحبت کرده است: هنگامیکه موسیقی اصیل هند با عنوان "بهانگرا"<sup>۴</sup> با موسیقی پاپ غربی ادغام می‌شود، یا یک هنرمند هندی با ترکیب هنر غربی و هنر سنتی هندی یک نوع جدیدی از هنر را ابداع می‌کند؛ یا هنگامیکه فیلم سینمایی هندی

---

1. JACQUES E. C. HYMANS  
2. Shashi Tharoor  
3. bhangra

"جشن عروسی منسون"<sup>۱</sup> معتقدین جهان را به وجود می‌آورد و یا فیلم سینمایی "لاگان"<sup>۲</sup> نامزد دریافت اسکار بهترین فیلم خارجی می‌شود، هنگامیکه نویسنده‌گان هندی جایزه‌های ادبی "بوکر"<sup>۳</sup> یا "پولیتر"<sup>۴</sup> را از آن خود می‌کنند، به طور حتم می‌توان گفت قدرت نرم هند افزایش یافته است.<sup>[۵]</sup> نمی‌توان گفت که این قبیل تجزیه و تحلیل‌ها تنها به این جهت مطرح می‌شود که ارزش دیپلماتیک برای "برند هند"<sup>۶</sup> جدید ایجاد نماید. قدرت نرم اهمیت زیادی دارد و در حال حاضر هند میزان بیشتری از آن را نسبت به بیست سال پیش داراست اما با اینحال، هند در جهان معاصر قدرت نرم کوچکی باقی مانده است. در حقیقت، راهبرد قدرت نرمی که این کشور با پشتکار ولی به طور متناقضی از دهه ۱۹۹۰ تعقیب کرده نشان‌دهنده این است که این کشور آرزوهای بزرگ قدرت نرمی خود را که توسط رهبران اولیه هند مانند "مهاتما گاندی" و "جواهر نهرو"<sup>۷</sup> پرورش یافته بود رها کرده است. علاوه بر این، در برخی موارد جنبه‌های مثبت "جدیدی" که غرب از هند می‌بیند دارای تشابهات قطعی با کلیشه‌هایی است که ضعف هندی‌ها در دوران استعمار را تقویت می‌کرد. بدین‌سان، آنچه امروزه به عنوان قدرت نرم محاسبه می‌شود ممکن است در حقیقت کاملاً متزلزل و در معرض سرازیر شدن به درون آن چیزی باشد که من آنرا "آسیب‌پذیری نرم"<sup>۸</sup> می‌خوانم.

به طور خلاصه، دستاوردهای کنونی قدرت نرم هند، هرچند به طور حتم واقعی هستند، اما میزان محدود و دوام قابل شکی دارند، و این اشارات، هنگامیکه موضوعات در چشم‌انداز تاریخی درازمدت مورد لحاظ قرار داده می‌شود آشکارتر می‌گردد. به این منظور، این مقاله به بررسی تحول تدریجی قدرت نرم هند و آسیب‌پذیری آن در برابر هژمون‌های جهانی یعنی بریتانیا و

1. Monsoon Wedding

2. Lagaan

3. Booker

4. Pulitzer

5. Brand India

6. soft vulnerability

سپس ایالات متحده از قرن نوزدهم تا دوران کنونی می‌پردازد. اما پیش از آنکه به بیان تاریخ پردازیم مقاله به منظور دوری از تصورات غلط، بحث کوتاه نظری در باب مفهوم قدرت نرم خواهد داشت.

### ۱-۱. قدرت نرم چیست؟

قدرت، توانایی وادار کردن دیگران به انجام کار مطلوب شما است در زمانیکه، در غیر این صورت به انجام آن مبادرت نمی‌کنند. دو شکل اولیه از قدرت وجود دارد: سخت و نرم. فاصله میان این دو در اجبار مرتبط با آنها نیست بلکه در مادیت متناسب با آنها است. به بیان دیگر، توانایی ارائه انگیزه‌های اقتصادی، به عنوان یک شکلی از قدرت دقیقاً به همان اندازه توانایی تهدید به از بین بردن، "سخت" است. در مقام مقایسه، قدرت "نرم" بر پایه ناملموسات است - کمتر بر اساس آن چیزی است که شما صاحب هستید و بیشتر بر اساس آن چیزی است که شما وانمود می‌کنید و یا ارائه دهنده آن هستید. به عبارت دیگر قدرت نرم توانایی مجبور کردن دیگران به انجام آنچه شما می‌خواهید است بر اساس آن‌گونه که آنها شما را می‌بینند.

قدرت نرم چگونه بدست می‌آید؟ جوزف نای که مبدع این واژه بوده استدلال می‌کند که کلید این امر جذاب ساختن خود در نظر دیگران است: "در سطح شخصی، ما با قدرت جذب و اغوا آشنا هستیم. [می‌دانیم] در یک رابطه یا یک ازدواج، الزاماً یکی از طرفین دارای قدرت نیست بلکه دارای معجزه اسرارآمیز جذابیت است..... در واقع می‌توان گفت در سطح رفتاری، قدرت نرم قدرت جذابیت است."<sup>۱۳</sup> نای، سپس استدلال می‌کند که به‌طور کلی مطمئن‌ترین راه برای جذابیت، انجام اقدامات "جهانشمول" (universality) فرهنگی و تقدیر و ستایش از این اقدامات است - که بمعنای اتخاذ یک نگرش آزاد بین‌المللی، احترام به قوانین، و اولویت دادن به

"دستاورد مطلق" (absolute gains)؛ به جای اولويت دادن به "دستاورد نسي" (relative gains) ازرواطلبي ملي و دورويي است. به سادگي می توان فهميد که اين توصيفي از يك کشور ليبرال ايدهآل است. ناي می نويسد: اگر کشوری چنین سياست های آزادی خواهانه اي را اتخاذ کند می تواند پاداش های بسيار بيشتری نسبت به آنچه اميد داشت از طريق صرفاً تهدید يا اجبار کسب کند بدست بياورد.<sup>[۴]</sup>

ناي اعتبار و جايگاه ويزه اى را براي حقيقه قدرت نرم قائل است. واژه "قدرت نرم" که توسيط وي ابداع شده به عنوان عنصری مستقل از قدرت ملي عمومي و نه فقط صرفاً يك روپناري برآمده از توان نظامي يا اقتصادي است و می بايست توسيط محققين روابط بين الملل بيشتر مورد توجه قرار گيرد. هرچند تساوي و برابري که ناي بين قدرت و جذابيت؛ و بين جذابيت و جهانشمول بودن آزادی فرض می کند تنها آغازی برای توصيف کارکرد اين پدیده پيچide است. اين مقاله در جايگاهی نیست که بخواهد به صورت سيستماتيك يك نظریه جدیدی در باب قدرت نرم ارائه کند. اما لازم است که برخی اصلاحات اوليه را به مفهوم ساده ناي اضافه نماید، و در اين مسیر، از داستان تاريخي قدرت نرم هند و آسيب پذيری آن کمک می گيرد. فرضيات مطرح شده در اينجا، برگرفته از یافته های مباحث مربوط به هویت های وابسته است که قرابت طبیعی با مباحث قدرت نرم دارند.<sup>[۵]</sup>

اول اينکه، ناي به سادگي اين طور فرض كرده که ما به سمت کسانی جذب می شويم که شبيه ما هستند. در حقيقت، عكس قضيه نيز صادق است يعني ما می توانيم جذب افراد متفاوت با خود نيز شويم. علاوه بر اين؛ هویت ملي، وابسته به تعاملات زياد و مقاييسه کليدي با ديگران است: ما نمي توانيم

۱. دولتها همواره از چگونگي توزيع عواید ناشی از همکاری نگرانند و از آن می ترسند که ديگران بيشتر از آنها از همکاری سود ببرند. بنابراین به رغم آن که ممکن است سود يا «دستاورد مطلق» ناشی از همکاری زياد باشد، اما برای آنها آنچه اهمیت بيشتری دارد «دستاورد نسي» است که اگر به زيان آنها باشد، مانع از همکاری يا تداوم آن خواهد شد [متترجم].

به طور کامل به شناخت کاملی از ویژگی‌های انسانی خود و اینکه چه کسی هستیم برسیم مگر آنکه [از طریق مقایسه] بتوانیم تشخیص دهیم که چه کسی نیستیم.<sup>[۷۱]</sup> این نوشتار استدلال می‌کند که بریتانیای دوران ویکتوریا به هند متمایل شد بخاطر اینکه هندی‌ها با آنها خیلی متفاوت بودند.

دوم، نای خیلی ساده فرض کرده که جذابیت، تولید کننده قدرت نرم است. اما واقعیت این است که جذابیت به همان نسبت نیز می‌تواند آسیب‌پذیری نرم تولید کند - اینکه باعث شود دیگران با صراحة کاری را انجام دهنند که شما نمی‌خواهید. آسیب‌پذیری نرم، سرنوشت مشترک خاصی است که هنگامیکه خود را با دیگران مقایسه می‌کنیم ایجاد می‌شود و همان‌طور که این مقاله استدلال خواهد کرد، مستعمره هند استثناء نیو.

جذابیت این کشور بندهای بندگی آنرا محکم‌تر کرد.

سوم اینکه نای به‌سادگی فرض کرده که عدم جذابیت منجر به آسیب‌پذیری می‌شود. در حقیقت، این امر می‌تواند تولید کننده قدرت نیز باشد، همان‌طور که راسوهای بد بو این امر را درک کرده‌اند. این مقاله استدلال خواهد کرد که بریتانیا جذب یک نظریه خاصی در مورد هند شد [اینکه هندی‌ها عموماً دارای صفات زنانه هستند]، زیرا این نظریه به آنها اجازه می‌داد که درک از خودشان یا خودانگاره [در مورد مرد بودن] را تقویت کنند. گاندی موفق شد جاذبه هند را که همانند مغناطیسی، بریتانیا را به خود جذب کرده بود از بین ببرد و از این طریق هم هند و هم انگلستان را آزاد کند.

چهارم، نای به‌سادگی فرض کرده که اتخاذ سیاست‌های لیبرال، کلید جذابیت بین‌المللی است. اما میان ارزش‌های لیبرالی که توسط ایالات متحده و انگلستان فریاد زده می‌شود و سیاست‌های محافظه‌کارانه‌ای که آنها و دیگر قدرت‌های بزرگ اغلب در عمل بیشتر به آنها پاییند هستند شکاف وجود دارد. علاوه بر این، اگر دورنمای بلندمدت‌تری را در نظر بگیریم این حقیقت را در می‌یابیم که تمام امپراتوری‌ها سرانجام می‌میرند.<sup>[۷۲]</sup> لذا بجای اینکه به‌دبیال قدرت نرم از طریق مطابقت با ایدئولوژی‌های هژمون روز باشیم

کشورها می‌توانند مفهوم جایگزینی با عنوان "خیر یا نیکی" را دنبال کنند. همان‌طور که این مقاله استدلال خواهد کرد، هند در دوران گاندی و نهرو یک راهبرد قدرت نرم انقلابی را تعقیب می‌کرد، در زمان "ایندیرا گاندی"<sup>۱</sup> از این راهبرد دور شد و سپس در دوران "آتاب بیهاری واجپایی"<sup>۲</sup> آنرا به‌طور کامل رها کرد. حال باید متظر ماند و دید که آیا این رها کردن واقع گرایانه بوده و یا ناشی از کوته نظری.

با در نظر گرفتن این قبیل ملاحظات در مورد ماهیت قدرت نرم و آسیب‌پذیری، مقاله از این مفاهیم برای تجزیه و تحلیل تحول روابط هند با هژمون‌های جهانی - بریتانیا و ایالات متحده - در طی دو قرن گذشته استفاده خواهد کرد. این موارد مطالعاتی همچنین درک ما از دو مفهوم قدرت نرم و آسیب‌پذیری نرم افزایش خواهد داد. بدیهی است که تجزیه و تحلیل یک چنین تاریخ طولانی و پیچیده‌ای می‌بایست به صورت دقیق و موشکافانه صورت گیرد که در این مقاله این امکان فراهم نیست. با اینحال امید است که خوانندگان با خواندن این مقاله برای انجام تحقیقات بیشتر تهییج شوند.

## ۱-۲. آسیب‌پذیری نرم هند پیش از استقلال

برای فهم آسیب‌پذیری هند و نقش آن در تضعیف این کشور در دوران راج<sup>۳</sup>، ابتدا بسیار مهم است که تا اندازه‌ای خصوصیات بریتانیایی قرن نوزدهم را درک کنیم. انجام این کار بسیار سخت است اما بسیاری از محققان به این نظریه مشترک رسیده اند که هویت بریتانیا در این دوران کاملاً با ایده‌آل خاصی از مردانگی (manliness) هم پیوند است.<sup>۱۸۱</sup> مرد در قرن نوزدهم بریتانیا بر اساس این سه تضاد یا دوگانگی تعریف می‌شد:

• مرد در مقابل زن؛ مرد به عنوان واژه مترادف مذکور: از نظر فیزیکی

1. Indira Gandhi

2. Atal Behari Vajpayee

3. راج به دوران استیلای انگلیس بر هند طی سال‌های ۱۸۵۸ تا ۱۹۴۷ گفته می‌شود [متترجم].

قوی و باجرأت.

- مرد در مقابل بچه؛ مرد به عنوان واژه مترادف بالغ: آگاه و مسئول.
  - مرد در مقابل حیوان؛ مرد به عنوان واژه مترادف انسان: خردگرا و با اخلاق.
- در تمام این سه جنبه، هند به عنوان یک مقیاس کلیدی برای خودانگاری "مردانگی" بریتانیا عمل می‌کرد. هند و هندی‌ها گاهی اوقات در قالب "مونث" گاهی اوقات در قالب "بچه" و گاهی اوقات در قالب "برده"، و گاهی نیز در قالب تمامی این سه مورد به صورت همزمان، به تصویر کشیده می‌شدند. دانشمند سیاسی "فرانسیس جی هاچیز"<sup>۱</sup> در این مورد می‌نویسد: «چنین کاتالوگی از صفات ناجور، ظاهرآ تنها بواسطه بی‌اعتنایی مشترک[هندی‌ها] به ارزش‌هایی که سلطنت ملکه ویکتوریا آنها را عزیز می‌شمرد با هم جمع شده بودند. ممکن است توصیف یک شخص با این ویژگی‌ها مشکل به نظر برسد اما فقط کافی بود تا ثابت شود شخصی واقعاً "بومی" [هند]<sup>[۹]</sup> است تا همه این ویژگی‌ها و کلیشه‌های منفی را به وی نسبت بدهند». به طور خلاصه تعامل با هند، حس مردانگی بریتانیایی‌ها را تقویت می‌کرد، که این به معنای تقویت خودبینی بریتانیایی‌ها و همچنین مشروع دانستن حاکمیت آنها بر هند بود. از نظر بریتانیایی‌ها، هند کاملاً "متفاوت"<sup>"</sup> بود – و این تباین، شبه قاره را برای اربابانش کاملاً جذاب می‌ساخت. البته این کلیشه‌های منفی توسط بسیاری از هندی‌ها نیز پذیرفته می‌شد و باعث تعمیق بندگی سیاسی هند می‌شد.<sup>[۱۰]</sup>

این صحیح است که تنها تعداد کمی از گروههای کوچک – شامل گروه "گورخاهای نپال"<sup>۲</sup>، مسلمانان پنجاب، "راجپوت‌ها"<sup>۳</sup>، و "سیک‌ها"<sup>۴</sup> – قادر بودند تا نسبتاً از چنین برچسب‌های تحریرآمیزی دوری جویند و در عوض

---

1. Francis G. Hutchins

2. Gurkhas of Nepal

3. Rajputs

4. Sikhs

جایگاه عبارت "نژادها یا طایفه‌های جنگجو"<sup>۱۱</sup> را بگیرند. بریتانیایی‌ها "نژادهای جنگجو" را مفید دانسته و حتی گاهی اوقات آنها را به عنوان برادران کوچک خطاب می‌کردند. کسب چنین جایگاهی، باعث تولید مقدار کمی از قدرت نرم جذابیت می‌شد که می‌توانست توسط رهبران این گروه‌ها در رویارویی و مواجهه با لندن مورد استفاده قرار گیرد.<sup>۱۲</sup> اما این موارد یا گروه‌ها استثناء بودند. اکثریت وسیعی از مردم شبه قاره هند به عنوان قطب مقابل بریتانیایی‌های مرد[صفت] قرار می‌گرفتند. در ادامه مقاله به شرح و توضیح روش‌هایی می‌پردازم که از طریق آنها وجهه "زنانگی" و "بردگی" هند - هر کدام جداگانه و یا با یکدیگر - باعث آسیب‌پذیری نرم هندی‌ها شده بود.

### ۱-۲-۱. "هند زنانه": جذاب برای انگلیسی‌ها

امپریالیست‌های بریتانیایی به طور افراطی، هندی‌ها؛ مخصوصاً اکثریت هندوهای بخش جلگه [بخش شمال و شرق] و جنوب را "نرم" (soft) (همانند یک زن) می‌دانند. استعاره "نرمی" و "ملایمت" هندی برای سال‌های سال، مدام استفاده و تکرار می‌شد. تاریخ نویس کمپانی هند شرقی "رابرت ارم"<sup>۱۳</sup> در سال ۱۷۸۲ در مورد هند این طور می‌نویسد: «تنفس در آب و هوای نرم و ملایم، داشتن خواسته‌هایی اندک، و دریافت حداکثر راحتی و تجملات با کمترین میزان کار و فعالیت؛ با این شرایط هندی‌ها می‌باشد زن صفت ترین ساکنین جهان باشند».<sup>۱۴</sup> بعدها، هنگامیکه نگرش‌های امپریالیستی سازمان یافته‌تر و مستحکم‌تر شد، حتی نظریه‌های نژادی "علمی" نیز برای توضیح معنای نرم‌خوبی و ملایمت هندی بکار گرفته شد. تصویر و وجهه زنانه شده هند نه تنها باعث چشم‌پوشی از این کشور نشد بلکه انگیزه و تمایل قدرتمندی را برای بریتانیایی‌ها ایجاد کرد تا این کشور را بشناسند و تصرف کنند.<sup>۱۵</sup> در تصور بریتانیایی‌ها، مردان هندی

1. martial races  
2. Robert Orme

(مخصوصاً "بابوس"<sup>۱</sup> (babus) های بنگال) احساسی و ضعیف بودند؛ در نتیجه: این کشور برای ما بود تا تصرفش کنیم.<sup>۱۵۰</sup> علاوه بر این، امپریالیست‌ها در بین خودشان می‌گفتند که تقدیر این کشور از دوران پیش از تاریخ این بوده که مطیع و فرمانبردار نژادهای مردانه باشد. برای مثال، به شرح تقریباً پورنوگرافی گونه از تاریخ هند که در کتاب مشهور "کاترین مایو"<sup>۲</sup> در سال ۱۹۲۷ با عنوان "هند مادر" - که مورد علاقه شدید محافظه‌کاران انگلیسی مانند وینستون چرچیل قرار بوده - توجه کنید: نیروهای فاتح مدام از کوههای آسیای مرکزی و منطقه باستانی هندوها عبور می‌کردند، و با ملایمت و نرمی هر ضربه پیش رو را خشی کرده و در جای خود آرام می‌گرفتند.<sup>۱۶۱</sup>

جدایت‌های "هند زنانه" افسانه‌هایی را از محققین و ماجراجویانی که از کوههای کشمیر تا بهگود گیتا، سعی کرده بودند در اسرار آن نفوذ کنند به وجود آورده بود. چنین تلاش‌هایی برای منحرف کردن اذهان عمومی از تجارت اصلی امپریالیسم، حیاتی به شمار می‌آمد. همان‌طور که تاریخدان "راناجیت گوها"<sup>۳</sup> بیان کرده، جمع آوری مالیات [از هندی‌ها] پیش از رمزگشایی سیستم پیچیده اجاره داری سرزمین تقریباً غیرممکن بود، و شناخت این سیستم پیچیده کاری برجسته بود که بواسطه نوشته شدن [۱۷]<sup>۴</sup> جزئیات تاریخی هند توسط "الکساندر داو"<sup>۵</sup> و دیگران انجام شد. به همین صورت، این فقط ماشین‌های نخریسی منچستر نبودند که بازار هند را با جنس‌های پیش‌ساخته ارزان از بین برندند بلکه این کار بر پایه مطالعات سیستماتیک در مورد قوانین پیچیده و متنوع پوشش در هند انجام گردید از جمله این مطالعات می‌توان به کتاب عظیم "کارخانجات بافندگی و

۱. کلمه موهنی به معنای بومی نیمه بسود که انگلیسی‌ها برای تحقیر هندی‌ها استفاده می‌کردند  
[متترجم]

2. Katherine Mayo  
3. Ranajit Guha  
4. Alexander Dow

لباس‌های محلی مردم هند" اثر "جان فربس واتسون"<sup>۱</sup> در سال ۱۸۶۶ اشاره کرد.<sup>۱۸۱</sup> تحلیل‌های دقیق از بسیاری از جنبه‌های درون جامعه هند به بریتانیا اجازه داد تا ارتش هند را بعد از سال ۱۸۵۷ دوباره سازماندهی کرده بگونه‌ای که هم به اندازه کافی بیرحم و هم کمتر متمایل به تمد و سرکشی باشد.<sup>۱۹۱</sup> و جذابیت بدین سان تولید کننده آسیب‌پذیری نرم گردید.

## ۱-۲-۲. "هند وحشی": خشن و غیرعقلانی

به طور متناقضی شاهد هستیم که همان مردان هندی، که بریتانیایی‌ها آنها را با صفات زنانه می‌دیدند اغلب به عنوان وحشی‌هایی به تصویر کشیده می‌شدند که درخواست‌های شیطانی‌شان تنها بواسطه به کارگیری خشن نیروهای نظامی کنترل می‌شد. کتاب "جیمز میل"<sup>۲</sup> با عنوان "تاریخ هندوستان بریتانیایی"<sup>۳</sup> سعی کرد تا این تصویر را حک نماید و نویسنده‌گان بعدی، از جمله "رودیارد کیپلینگ"<sup>۴</sup> این پیام را تقویت کردند.<sup>[۲۰]</sup>

بزرگترین نماد وحشیگری هندی‌ها در نظر غربی‌ها "ساتی/سوتی" (suttee/sati)، یا همان آیین سوزاندن بیوه بر روی آتش هیزم جنازه همسرش بود. درست است که ساتی، جان بسیاری از بیوه‌های هندی مخصوصاً اهالی بنگال را در اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ گرفت.<sup>[۲۱]</sup> اما این اقدام تا مدت‌ها بعد از ممنوعیت آن در سال ۱۸۲۹، همچنان "نگرانی" اصلی هنرمندان، هیات‌های مذهبی، روشنفکران و دولتمردان غربی باقی ماند. اما چرا؟ پاسخ این سوال روشن است تحریک و افراط در بیان وحشیگری هندی‌ها، باعث ستایش و تقویت خودانگاره بریتانیایی‌ها از مردانگی بود. علاوه بر این، برای حفظ سلطنت ملکه ویکتوریا، ساتی در واقع مجموعه کاملی از غراییز انسانی ترکیب شده با مرگ بود: کاملاً منقلب کننده چرا که

1. John Forbes Watson

2. James Mill

3. History of British India

4. Rudyard Kipling

هیچ کس بجز نگاه کردن کاری نمی‌توانست انجام دهد. همان‌طور که نظریه‌پرداز ادبی "دانیل او کوئین"<sup>۱</sup> اشاره کرده، «مالعه بریتانیای‌ها در مورد ساتی و کشتن کودکان دختر در راجپوت و راه اندازی کمپین بر ضد این اقدامات، بدلیل معروفی بریتانیای‌ها به عنوان متمن و توصیف "شرارت" هندوها بوده است».<sup>۲۲۱</sup>

وجهه "هند وحشی" صرفاً به عنوان خوراکی برای نشریات زرد و یا خمیر مایه‌ای برای نویسنده‌گان تخیلی نبود بلکه در حقیقت به عنوان تکیه گاهی کلیدی برای حفظ امپراطوری بریتانیا به حساب می‌آمد. برای مثال، چشم‌انداز نبرد با اهربیمنان خارجی [هندی‌ها] – یا آن‌طور که کیپلینگ بیان کرده "نیمی شیطان و نیمی کودک"<sup>۲۲۲</sup> – بسیاری از مردان جوان بریتانیایی بلندپرواز را جذب خدمت نظامی کرد. در یک مورد یکی از این جوانان، یک اشرف زاده جوان به نام ویستون چرچیل بود. ستون یکم چرچیل در سال ۱۸۹۶ با شوق برای غله بر ترسو بودن خود، (و البته برای پیدا کردن شهرت و راهی برای ورود به پارلمان) به عنوان سرباز روزنامه‌نگار به نیروهای نظامی بریتانیا ملحق شد، و تحت رهبری سرلشگر "بیندون بلود"<sup>۲۲۳</sup> که در جبهه نبرد افغانستان – انگلستان توanstه بود پیروزی‌هایی را کسب کند، قرار گرفت.<sup>۲۴۱</sup> چرچیل در پیغام‌های خود، بر شکاف زیاد بین عقلانیت اروپاییان و قبایل هندی؛ که وی آنها را سگ‌های دیوانه لقب داده بود، تأکید می‌کرد.<sup>۲۵۱</sup> در چشم وی این شکاف، حکمرانی بریتانیا بر شبه قاره را توجیه می‌کرد، و در ضمن فرصت زیادی برای سربازان جوان بریتانیایی برای آزمایش کردن و تقویت مردانگی خود، از طریق تاکتیک‌هایی نظیر "سوزاندن روستاها" فراهم می‌آورد. چرچیل استدلال می‌کرد که سرکوب خشونت‌آمیز چنین جانوران وحشی‌ای هم مسئولیت بریتانیا است و هم افتخار این کشور؛

---

1. Daniel O'Quinn  
2. Bindon Blood

و در این مسیر وی تنها نبود. همان طور که "چارلز مایر"<sup>۱</sup> تاریخدان بیان می‌کند، «راز کوچک کنیف امپراطوری این است که اقدام به لفاظی در مورد "مسئولیت" می‌کند و از این طریق هم از نظر روان‌شناسی، رضایتمندی برای آنهایی که آن را انجام می‌دهند ایجاد می‌نماید و هم زندگی خوبی را برای آنهایی که آن را توجیه می‌کنند فراهم می‌آورد».<sup>۲۶۱</sup>

آن دسته از بریتانیایی‌هایی که دورانی را در شبے قاره گذرانده بودند عموماً دارای هویت دوگانه بریتانیایی - هندی می‌شدند، بسیار عمیق‌تر از آنهایی که این دوران را نگذرانده بودند.<sup>۲۷</sup> چرچیل نیز از این امر مستثنی نبود. در واقع، دفاع وی از "سلطنت بریتانیا در هند" آنقدر شدید بود که سرانجام سبب شد حتی سیاستمداران محافظه‌کاری که با اصول جهان‌بینی وی اشتراک داشتند نیز در مناسب بودن وی برای مناسب بالاتر چارشک و تردید شوند. در سال ۱۹۳۱ چرچیل در نتیجه مخالفت‌های شدید خود با اصلاحات معتدلی که توسط فرمانرو "لورد ایروین"<sup>۳</sup> در هند صورت گرفت جایگاه خود در رهبری حزب محافظه‌کار را از دست داد. تعجب و تحریر رئیس حزب محافظه‌کار "استنلی بالدوین"<sup>۴</sup> تا جایی بود که بیان داشت: به نظر می‌رسد چرچیل می‌خواهد به دوران پیش از جنگ بازگردد و با در دست گرفتن سنگ به حکومت پردازد؛ وی دوباره به افسر جزء سواره نظام ۹۶ تبدیل شده است.<sup>۲۸</sup> حتی بالدوین نیز متوجه شده بود که اتخاذ سیاست‌های تندروی چرچیل علیه نوع جدید چالش‌هایی که توسط مهاتما گاندی در مقابل حاکمیت بریتانیایی‌ها ایجاد شده بود، کارآیی نداشت.

### ۱-۳. از آسیب‌پذیری نرم تا قدرت نرم: کیمیاگری گاندی موج جدالی که توسط "کنگره ملی هند"<sup>۴</sup> تحت رهبری گاندی برای کسب

1. Charles Maier

2. Lord Irwin

3. Stanley Baldwin

4. Indian National Congress

بدون خشونت "آزادی" بر ضد بریتانیا به راه افتاده بود، شاید چشم‌گیرترین مثال تاریخی در مورد پتانسیل تاثیرگذاری راهبردهای سیاسی بر اساس "قدرت نرم" باشد. اما دقیقاً چرا و چگونه راهبرد قدرت نرم گاندی موفق گردید؟ نای به بسیاری از سوء تفاهمات پاسخ می‌دهد هنگامیکه می‌نویسند: «پیامدهای انتخاب قدرت نرم توسط گاندی را با انتخاب سلاح توسط یاسر عرفات مقایسه کنید. گاندی توانست اکثریت معتدل در بریتانیا را به نفع استقلال هند جذب کند، و نتیجه، هم از نظر تاثیر و هم از نظر اخلاقی شگفت‌انگیز بود. وی یک میراث مهم را برای قدرت نرم هند بر جای گذاشت. در مقایسه، راهبرد قدرت سختی عرفات میانه‌روهای اسرائیل را نیز به ارتش حق سخت کشاند». <sup>[۲۹]</sup>

تفسیر نای را می‌توان حداقل در دو مورد به چالش کشید. اول نای اشاره می‌کند که گاندی برای انگلیسی‌های منصف یک میانه‌روی جذاب - نوع هندی باراک اوباما - به حساب می‌آمد. اما در حقیقت گاندی یک انقلابی تسلیم‌ناپذیر بوده که طرف انگلیسی را کاملاً عصیانی و دیوانه کرده بود. علاوه بر این همان‌طور که در ادامه مقاله به تفصیل بیان خواهم کرد، به دردرس انداختن بریتانیا، قلب راهبرد قدرت نرم وی بود. دوم اینکه، نای اشاره کرده که گاندی خود "انتخاب کرده" تا بیشتر به قدرت نرم هند تکیه کند تا قدرت سخت. اما در حقیقت گاندی خود قدرت نرم هند را "خلق" کرد. ویژگی‌هایی که در دورانی به نظر می‌رسید آسیب‌پذیری هند باشد ناگهان در دستان وی تبدیل به عنصر قدرت هند شدند. گاندی شاهکار خود را بوسیله بهره‌برداری از داینامیک‌های غیرخطی روابط هویت ملی کامل کرد.

برای فهم قدرت جاذبه شاهکار گاندی، ابتدا لازم است که عمق تحریر و تنزل هند در دهه اول قرن بیستم را درک کنیم. در سال ۱۹۳۱ کارشناسان الهیات "رینهولد نیبوهر"<sup>[۳۰]</sup> در مقاله‌ای با عنوان "گاندی چه شانسی دارد؟"

معماي راهبردي انقلاب هند را به طور مختصر بيان کرد. وي مى نويسد که از يك سو، هندیها نمی توانستند به صراحت درخواست استقلال کنند، حتی در روابط شخصی تنها در موارد بسیار نادری احتمال دارد که قدرت باعث اتخاذ نگرش اخلاقی به ضعف شود ... گاندی می دانست که نمی تواند صرفا از طریق توسل بر حس عدالت خواهی انگلیسي‌ها، آزادی را برای هندی‌ها به ارمغان بیاورد. اما از سوی ديگر، هندی‌ها نیز نمی توانستند اميد زیادی در انقلاب خشونت‌آميز بیابند زیرا اول از همه آنها شанс شکست دادن نیروهای کاملاً مسلح تحت حمایت بریتانیایی‌ها را نداشتند، و دوم اینکه چنین اقداماتی می توانست در واقع تنها تصمیم بریتانیا را برای ماندن تقویت کند. نیبوهر: «هرگاه آنها یکه مایل به سازماندهی جامعه بر اساس اصول جدید هستند، اقدام به تهدید خشونت‌آميز نظم اجتماعی کنند، در واقع تنها زمینه را برای ریاکاری و تزویر گروههای قدرتمند فراهم می کنند و توان اخلاقی‌ای را به این گروهها (و ریاکاری و تزویر آنها) می دهند که سزاوار آن نیستند.»<sup>[۲۱]</sup>

همان‌طور که نیبوهر نیز تشخيص داده، قدرت مادی بریتانیایی‌ها، مشکل بزرگ فعالان استقلال هندی بود - اما این تنها یا حتی مهمترین مشکل نبود. مشکل ديگر در حوزه قدرت نرم قرار داشت. هنگامیکه طرفداران آزادی هند به بریتانیا آمدند تا از روی حقارت و با کوچک کردن خود از آنها درخواست [آزادی] کنند، آنها در واقع در حال بازی با کلیشه‌های بریتانیایی‌ها در مورد هندی‌ها - به طور خاص، "بابوی" زن صفت که ضعف فیزیکی و روحی، وي را موضوع تمسخر انگلیسي‌ها قرار می داد - بودند. اين نوع تعامل، وجهه مثبت بریتانیایی‌ها از خودشان را به عنوان خدمتگزاران مرد صفت نظم و پیشرفت، به هزینه هند تقویت می کرد. شبیه این امر، هنگامی اتفاق افتاد که طرفداران آزادی هند، سعی کردند تا بریتانیا را با تهدید خشونت مرعوب سازند، این‌بار نیز ناخواسته دوباره با کلیشه‌های بریتانیایی‌ها از هندی‌ها بازی می کردند - در این مورد، "هندی‌های وحشی"

که ماهیت جانور خویی‌شان، آنها را مورد سرزنش و توبیخ قرار می‌داد. این نوع تعامل نیز تصویر بریتانیا از خود را به هزینه هند تقویت کرد. به طور خلاصه نیوهر بهوضوح روشن می‌سازد که چگونه آسیب‌پذیری نرم هندی‌ها باعث تضعیف آنها گردید.

گاندی هم این موضوع را درک کرده بود. اما وی تشخیص داده بود که وابستگی متقابلی که میان خودانگاری بریتانیایی‌ها با وجهه آنها از هند وجود داشت – که تاکنون باعث فشار و تحیر هندی‌ها شده بود – می‌توانست منبعی از قدرت نرم برای مردم هند نیز باشد. برای مدت‌های طولانی، هندی‌ها با بریتانیایی‌ها همانگونه‌ای رفتار کردند که آنها انتظارش را داشتند. اگر هندی‌ها می‌توانستند فرا بگیرند که بر خلاف توقع بریتانیایی‌ها، طوری رفتار کنند که آنها را مبهوت سازند، و در واقع بریتانیایی‌ها را مجبور سازند تا به‌گونه‌ای وحشیانه یا بزدلانه با هندی‌ها رفتار کنند، این می‌توانست باعث شود تا از لحاظ روان‌شناسانه ناهمانگی شناختی در دنیاکی در اذهان ستمگران ایجاد شود. و اگر این کار به‌طور موفقیت‌آمیز و مکرر انجام می‌شد، در درازمدت، بریتانیا تنها از طریق فرار کردن از جایی که سبب مشکل بود، یا بسیار مشکل‌تر، از طریق تحمل کامل تغییر شکل هویتی قادر می‌بود تا از این ناهمانگی شناختی خلاصی یابد؛ که در هر دو مورد، هم ارباب و هم خدمتکار از شرط متقابل بندگی آزاد می‌شدند.<sup>[۳۲]</sup>

راهبرد گاندی مبنی بر مقاومت بدون خشونت، کلید مختل کردن توانایی سنتی بریتانیایی‌ها برای استفاده از هند به عنوان روکشی برای هویت و خودبینی بریتانیا بود. مقاومت غیرخشونت‌آمیز نه به بهانه ضعف و بیماری روانی و نه به بهانه وحشی‌گری و غیرقابل کنترل بودن نمی‌توانست از بین برود. در کوتاه‌مدت، این شدیداً با توقعات معمول از رفتار هندی‌ها در تناقض بود که جزء لاینک تصویر از خود، یا خودانگاری بریتانیایی‌ها بود. و علاوه بر این، نقض صریح تعریف مردانگی – یعنی قلب این خودانگاری –

نیز بود. همان طور که دانشمند علوم سیاسی "سوزان هابر رو دلフ"<sup>۱</sup> اشاره کرده، پیام گاندی به بریتانیا - و همچنین خود هندی‌ها - این بود که هند مانند یک زن، ضعیف نبود بلکه شبیه یک زن، قوی بود.<sup>۲۳۳</sup> "آشیس ناندی"<sup>۲</sup> این نکته را با جزئیات شرح می‌دهد:

«گاندی سعی کرد تا از طریق ایجاد یک برابری جدید بین زنانگی و توان سیاسی، یک شان و جایگاه جدیدی به زنان بدهد؛ و در این فرایند پیوندی که توسط غرب بین مردانگی و کترل بر امور عمومی و سیاستمداری ایجاد شده بود را انکار کرد؛ سنت نظامی در هند را که همانند سنت بسیاری از جوامع دیگر، زنانگی را پست می‌شمرد، رد کرد؛ و هویت استعماری را که تأثیر را با بی‌ارادگی، ضعف، وابستگی، اطاعت، و فقدان شجاعت برابر می‌دانست نسخ کرد. محافظه‌کاری گاندی و مدرنیته‌وی، و همچنین موفقیت و شکست وی متکی بر این برابری بود».<sup>۲۴</sup>

از سوی دیگر عدم پذیرش و رد ایده‌آل بریتانیایی از "مردانگی" توسط گاندی صرفاً تجلی سیستم ارزشی وی نبود بلکه عنصری حیاتی در راهبرد وی برای غلبه بر سلطنت بریتانیا بر هند به حساب می‌آمد. گاندی با قرار دادن یک چنین فضیلت ظاهرًا "مردانه‌ای" به عنوان شهامت جسمانی در کلید عدم خشونت "زنانگی"، به طور کامل رقبای مرد با مرد بریتانیایی را از صحنه خارج کرد. وزیر امور خارجه هند "وجوود بن"<sup>۳</sup> در سال ۱۹۳۰ این طور گفته بود که «نبرد مستقیم با مردم هفت تیر بدست بسیار ساده‌تر و بسیار رضایت‌بخش تر [از مبارزه با این مردمی که از راههای غیرخشونت‌آمیز مخالفت می‌کند] است». <sup>۲۵</sup> اما بریتانیایی‌ها هرگز نتوانستند طعم چنین رضایتی را بچشند و بدین‌سان در نهایت "گیج و سردرگم؛ و آزرده و سرگشته" باقی ماندند.<sup>۲۶</sup> تکرار نمایش ضعف، عدم بلوغ و حتی

1. Susanne Hoeber Rudolph

2. Ashis Nandy

3. Wedgwood Benn

وحشی‌گری بریتانیایی‌ها در جدال با گاندی و کنگره، جنبه‌های مثبتی را که آنها از گذشته در برابر هندی‌ها برای خود تعریف کرده بودند از بین بردا. در این باره به گواهی و شهادت "جان کورت کری"<sup>۱</sup> یکی از سربازان عضو نیروهای پلیس بمبئی در دوران مبارزه بدون خشونت مردم در سال ۱۹۳۰ در دادگاه اشاره می‌کنیم:

«با گذشت زمان پی بردم که نفرت شدید من از تمام این اقدامات (منفرق ساختن تظاهرکنندگان مسالمت‌آمیز) به حدی رسیده که هرگاه کنگره یک تظاهرات بزرگی را براه می‌انداخت به حدی احساس تهوع فیزیکی می‌کردم که مانع می‌شد تا زمانیکه آن بحران خاتمه یابد غذا بخورم ..... نمی‌توانستم بفهمم که چرا باید این موضوع از نظر فیزیکی بر من تاثیر گذارد. به خاطر دارم که در گذشته و در شورش‌های جدی بمبئی یا در قبل‌تر از آن در زمانی که مهاجمان را در جبهه تعقیب می‌کردم یک چنین احساسی نداشتم. بعد از آن و تا امروز این‌طور فکر می‌کنم که هرچه انجام دادیم نتیجه پیشرفت سیاست کنگره بود و سیاست حکومت ما در مواجهه با آنها کاملاً اشتباه بود».<sup>[۳۷]</sup>

"کری" در همان سال از نیروی پلیس استعفا داد.

در سال ۱۹۴۷، بزرگترین امپراتوری جهان هرگز فکرش را نمی‌کرد که سرزمینی را که برای نزدیک به دو دهه جزو غنایم تحت تصرفش بود ترک کند، و این کار را نه با افتخار بلکه با «فراری شرم‌آور و عقبنشینی کاملاً عجولانه و پیش از موعد» انجام داد.<sup>[۳۸]</sup> علی‌رغم آرزوی پرشور چرچیل، بریتانیایی‌ها نتوانستند به طور نامحدود در هند باقی بمانند، اما اگر کسی بخواهد متوجه شود که چرا آنها این‌گونه هند را ترک کردن لازم است که ابتدا از بین رفتن سریع اعتماد به نفس آنها را در طی دهه‌های رویارویی با "عشق دردناک" گاندی بشناسند. و این بهترین زمان قدرت نرم هند بود.